

نگاهی به وضعیت کارگران و زحمتکشان ایران و حکومت اسلامی و احتمال ایجاد ارتباط مستقیم مابین ایران و امریکا.

سید علی خامنه ای در آغاز هر سال همراه با نام گذاری برای آن سال جهت حرکت نظام را تعیین مینماید. در این مقاله، تنها به نام گذاری های سال های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ اشاراتی میکنم و بطور مختصر نتیجه گیری میکنم. بعلاوه چند وقت است که موضوع ایجاد ارتباط مستقیم مابین ایران و امریکا و دخالت علی اکبر هاشمی رفسنجانی مطرح شده است. به نکاتی در این رابطه نیز اشاره خواهم کرد.

علی خامنه ای، سال ۱۳۹۰ را، سال جهاد اقتصادی را نام گذاری کرد. سال ۱۳۹۰ سال تشدید بیکاری کارگران و زحمتکشان جامعه ما شد، سال تشدید ورشکستگی بنگاههای تولیدی ایران شد، سال تشدید تورم و بالا رفتن نجومی قیمت کالاها و خدمات مورد نیاز کارگران و زحمتکشان در کشور ما شد. برای کارگران و زحمتکشان کشور ما، سال ۱۳۹۰ سال تشدید بدبختی ها و زجرآور تر شدن زندگی بود.

اما سال ۱۳۹۰ برای غارتگران نیروی کار و ثروت های جامعه ما، سال امن و امانی بود. در سال ۱۳۹۰، رهبر رژیم و دستگاه رهبری، باند احمدی نژاد- مشاعی و فرماندهان سپاه پاسداران و همه سرمایه داران کشور، در سال جهاد اقتصادی، تا آنجا که قادر بودند، چاپیدند و غارت کردند.

سال ۱۳۹۰، سال جهاد اقتصادی برای صاحبان زر و زور بود. سالی بود که برخی از اسرار یکی از موارد اختلاس در حکومت اسلامی ایران، از پرده برون افتاد. بزرگترین پرونده تاریخ مفاسد در کشور ما، اختلاس سه هزار میلیارد تومانی، برملا شد. در پی این اختلاس بود که علی خامنه ای اعلام کرد: "رسانه ها قضیه اختلاس را کش ندهند."

بعلاوه، سال ۱۳۹۰، سالی بود که محمود احمدی نژاد مردم فریبانه گفته بود که دولت، ۱ میلیون و ۶۰۰ هزار فرصت شغلی جدید بوجود میآورد. نه تنها چنین اتفاقی نیافتاد، بلکه هشتصد هزار فرصت شغلی هم از دست رفت.

سال ۱۳۹۰، سالی بود که ایجاد باغ ۱۰۰۰ متری و ویلای سه طبقه ۳۰۰ متری و بسیاری وعده و وعیدهای دیگر دولت، همگی پوچ از آب در آمدند. زیرا، دولت و رهبر رژیم، اراده ای برای ایجاد بودجه ضروری در این زمینه ها نداشتند.

توجه کنید: باند احمدی نژاد- مشاعی، که دستگاه " مسکن مهر" را علم کرده است، با مساعدت شرکت های وابسته به سپاه، بسیج، و بنیادهای انگلی در نقاط مختلف کشور به مناطق حفاظت شده محیط زیست، دستبرد میزند. طرح " مسکن مهر" را بهانه کرده، تا بهترین زمین ها در نقاط مختلف کشور را بِنفع حزب الهی های منتصب بخودشان تصاحب نمایند.

بنابر این معلوم شد که منظور رهبر از جهاد اقتصادی در سال ۱۳۹۰، اعلام اسم شب برای صاحبان زر و زور در تشدید غارتگری در ایران بغناوین مختلف بوده است و منظور رئیس جمهور رژیم هم بیکار سازی بیشتر و بی خانمانی گسترده تر کارگران و زحمتکشان کشورمان بوده است.

در مورد وضعیت اسفناک بهداشت، دارو و درمان، آموزش و پرورش، بازنشسته ها، گستردگی اعتیاد در جامعه و بویژه جوانان، وضعیت محیط زیست در ایران و غیره هم به شهادت اطلاعات و اخبار در سال ۱۳۹۰ وضعیت بمراتب بدتر شده است.

طبعاً برای تشدید چپاول و غارت، حکومت اسلامی ایران، سرکوب مردم کشور ما را تشدید کرده است. سرکوب کارگران، زنان، جوانان، ملیت های ساکن ایران و هر کس که به سیاست های خاتمان برانداز رژیم اعتراض داشت را تشدید نموده است.

جهت تشدید چپاول و غارت در سال ۱۳۹۰، برای منحرف کردن افکار عمومی حکومت اسلامی ایران مرتباً در داخل و خارج از کشور ماجراجویی میکرد.

در نوروز ۱۳۹۱، اما، علی خامنه ای اعلام کرد که امسال، سال افزایش تولید ملی است. برای قضاوت در مورد آنچه در رابطه با افزایش تولید ملی در داخل کشور ما انجام خواهد شد نیاز نیست یک سال صبر کنیم.

سال ۱۳۹۱ را در حالی آغاز میکنیم که بحران اقتصادی نفس گیر، بیکاری، و فقر، باضافه تشدید جو سرکوب و اعمال فشار، از سوی ارگان‌های نظامی- امنیتی رژیم، زندگی اکثریت قریب باتفاق مردم تحت ستم کشور ما را دشوارتر از گذشته کرده است. بر اساس ادعای رئیس مرکز آمار ایران، عادل آذر بیش از ده میلیون ایرانی، زیر خط فقر مطلق و نزدیک به سی میلیون نفر دیگر در زیر خط فقر نسبی به سر می‌برند.

کارشناسان اقتصادی مستقل اعلام کرده اند: در آغاز سال ۱۳۹۱، با توجه به اینکه شورای کار رژیم، پایه‌ی درآمد کارگران را حدود ۳۹۰ هزار تومان اعلام کرده است و با توجه به اینکه خط فقر در ایران حداقل یک میلیون و ۴۰۰ هزار تومان اعلام شده است و بعلاوه تورم ۳۵ تا ۵۰ درصد اعلام شده است، لذا مابین ۶۰ تا ۷۰ درصد مردم ایران در زیر خط فقر قرار دارند. توجه کنید: بنابر این آمار مابین ۴۵ میلیون تا ۵۲ میلیون نفر از کارگران و مزد و حقوق بگیران کشور ما زیر خط فقر زندگی میکنند.

شرایط زندگی فقیرانه مردم تحت ستم و گرانی کالاها چنان ضربات جانکاهی به زندگی مردم وارد آورده است که صدای عضو هیات مدیره اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی شعبان فغانی را هم در آورده است.

او در رابطه با گرانی ها بعنوان نمونه به ایلنا میگوید: اقلامی از قبیل گوشت گوساله و تخم مرغ با افزایش حدود ۴۰٪ در مقایسه با سال گذشته به ترتیب از ۱۲ هزار تومان به ۲۱ هزار تومان و تخم مرغ با ۱۰۰ تومان افزایش قیمت با نرخ ۲۵۰ تومان در فروشگاه های کشور به فروش می‌رسند.

شعبان فغانی ضمناً گفته است که: نرخ سبزیجات از ۸۰۰ تومان به ۱۵۰۰ تومان افزایش یافته است و بعلاوه میوه هایی از قبیل سیب، پرتقال نیز با نرخ های ۱۷۰۰ و ۱۸۰۰ تومان در میادین میوه و تره بار به فروش می‌رسند.

سال ۱۳۹۱ در شرایطی آغاز شد که خبر رسید که قرارداد ۳۰٪ از کارگران بنگاههای تولیدی کشور ما را، تمدید نکرده اند. تعداد کثیری از کارگران با قرارداد سفید امضا، شغل خودشان را از دست داده اند و به صف طویل بیکاران جامعه پرتاب شده اند. این در حالی است که خود کارگرانی که با قراردادهای موقت هنوز بر سر کار هستند از بسیاری حقوق شناخته شده از جمله؛ حق بیمه، بازنشستگی، حق اولاد، و نظایر آن محروم هستند.

اجرای قانون هدفمندسازی یارانه ها هم که با حذف یارانه ها شروع شد، بیشترین تاثیر منفی را بر زندگی کارگران و زحمتکشان به خصوص آنهانی که با قرارداد موقت بر سرکار هستند باقی گذاشته است.

در همین هفته های اخیر بنا بر گزارش ایلنا حدود ۸۰۰ نفر از کارگران کارخانه صنایع فلزی ایران به دلیل عدم دریافت مطالبات قانونی‌شان در مقابل ساختمان ریاست جمهوری تجمع کردند.

امید که سال ۱۳۹۱ سال گسترش اعتراضات کارگران و زحمتکشان کشورمان باشد. سال تعمیق آگاهی های آنها، سال سازماندهی آنها در سراسر کشورمان باشد.

دیگر مدتهاست که از " شیر مرغ گرفته تا جان آدمیزاد" بصورت گسترده به ایران قاچاق می‌شوند. البته بعلت تشدید تورم و بالا رفتن قیمت این کالاها سهم کارگران و زحمتکشان کشور ما در رابطه با رفع نیازهای ضروری شان بسیار ناچیز است، اما بعلت ورود بی رویه کالا- اعم از قاچاق و غیر آن- و رقابت این کالاها با تولیدات داخلی مدتهاست که تولید کالا در داخل ایران بشدت کاهش پیدا کرده است. بسیاری از بنگاههای تولیدی ورشکست شده اند و در نتیجه میلیون ها کارگر و زحمتکش هم بیکار و متضرر و معترض اند . همه اینها نتیجه سیاست های ارتجاعی جمهوری اسلامی ایران است.

عکس العمل رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی ایران در طول ۳۳ سال گذشته برای ساکت کردن کارگران و زحمتکشان کشور ما، توسل به سرکوب و خفقان بوده است. رژیم سعی کرده که صدای حق طلبی های مردم را در گلو خفه نماید. در طول حیات رژیم ضد کارگری و آزادی کُش جمهوری اسلامی ایران بازداشت های خودسرانه مدافعین آزادی و مخالفین حکومت اسلامی ادامه داشته است. این پیگردهای خودسرانه در چارچوب سرکوب عمومی جامعه مدنی ایران در شرایط کنونی تنها به قصد خاموش کردن مدافعان حقوق کارگران و دیگر مبارزان و مدافعین حقوق مردم تحت ستم کشور ما انجام می شود. هر بار بعد از هر سرکوب کارگران و زحمتکشان کشورمان، بیدادگاه های حکومت اسلامی رهبران و فعالین کارگری را به زندان های طویل و المدت محکوم کرده است.

هم اکنون در ادامه سرکوب فعالین سندیکایی و آزار و تعقیب رهبران و فعالین کارگری و صدور احکام ناعادلانه زندان علیه آنها، چندین نفر از فعالین سندیکایی مستقل در زندان به سر می برند، از جمله رضا شهابی، علی نجاتی، شاهرخ زمانی، محمد جراحی، ساسان واهی و ش، بهنام ابراهیم زاده، رسول بداعی (بدافی)، محمد حسینی، مهدی فراخی شاندیز، فرزاد احمدی، مهرداد امیر وزیری، پدram نصراللهی و علی اخوان.

آخرین نمونه احکام بیدادگاه های حکومت اسلامی علیه رهبران کارگری، رای شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران، توسط قاضی صلواتی است. مطابق این حکم رضا شهابی، کارگر و عضو هیات مدیره و مسنول مالی سندیکای کارگران شرکت واحد تهران را بجرم دفاع از حقوق کارگران به ۶ سال حبس تعزیری و شکنجه و بعلاوه به ۵ سال ممنوعیت از فعالیت محکوم کرده است. ممنوعیت از فعالیت برای رضا شهابی که در اعتراض به خفقان رژیم اسلامی ایران تنها سخن گفته است، بمعنای محکومیت به ۵ سال خاموشی است. همین حکم نشان میدهد که جمهوری اسلامی ایران تا چه حد از سخن گفتن مخالفین اش وحشت دارد.

دبیر کل سازمان جهانی مبارزه با شکنجه، جرال استابُرک میگوید: " به شدت محکومیت آقای شهابی را تقبیح می کند و از دولتمردان ایران می خواهد به آزار و اذیت مدافعان حقوق بشر پایان دهند، فوری و بدون قید و شرط تمام مدافعان حقوق بشر را که در بازداشت به سر می برند آزاد نمایند، سلامت جسمانی و روحی آنها را در هر شرایطی تضمین کنند، و به طور کلی اعلامیه سازمان ملل در باره مدافعان حقوق بشر، اعلامیه جهانی حقوق بشر و عهدنامه های بین المللی حقوق بشر را که ایران تصویب کرده رعایت کنند."

اکثر قضات دادگاه های اسلامی در ایران، در بیدادگاه هایشان برخلاف قوانین حقوق بشر و بعضاً قوانین مصوب خود جمهوری اسلامی ایران، در برخورد به فعالین اجتماعی و سیاسی احکامی به غایت ارتجاعی صادر مینمایند.

بنابر گزارش سالانه نقض حقوق بشر در ایران: " در سال گذشته یحیی پیرعباسی، محمد مقیسه و ابوالقاسم صلواتی، رکورد دار صدور بیشترین احکام مجازات برای فعالین در حوزه های مختلف فعالیت های سیاسی- مدنی در تهران بوده اند. در این بین قاضی پیرعباسی با صدور ۳۶ مورد حکم محکومیت، رکورد دار نقض حقوق بشر در بین قضات شاغل در تهران است.

یکی دیگر از قضات بیدادگاههای اسلامی ایران، قاضی کیانوش شکوه تازہ رئیس شعبه ۱۰۴ دادگاه عمومی تبریز است. او حداقل ۱۲۸ تن از شهروندان و فعالین آذربایجانی در تبریز را محاکمه و ۴۳ تن از آنها را محکوم نموده است."

همین الان تعداد قابل ملاحظه ای از فعالین و رهبران کارگری بجرم دفاع از حقوق کارگران در زندان های جمهوری اسلامی ایران هستند.

حکومت اسلامی ایران، برای درهم شکستن مخالفانش از اعمال انواع و اقسام شکنجه ها نیز ابائی ندارد. بعنوان آخرین نمونه گزارش شده آن "فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران" اطلاع داده اند که روز چهارشنبه ۳۰ فروردین ماه ۱۳۹۱ زندانی سیاسی ارژنگ داودی پس از ۵ روز متمادی شکنجه های وحشیانه جسمی و روحی در بند سپاه شکنجه گاه وزارت اطلاعات در زندان گوهردشت، به سالن ایزوله شده ۱۲ بند ۴ زندان گوهردشت کرج بازگردانده شده است. شکنجه های جسمی زندانی سیاسی ارژنگ داودی توسط فردی بنام مدرسی رئیس بند سپاه، محبی شکنجه گر معروف بند سپاه صورت می گرفته است.

بنابر گزارش سالانه نقض حقوق بشر در ایران " در سال گذشته حداقل ۷۵ مورد اعتصاب کارگری گزارش شده که فروردین ماه ۱۳۹۰ بیشترین آمار اعتصابات کارگری را به خود اختصاص داده است. ۴۴۵۲۵ کارگر از کار اخراج یا تعدیل شده اند و

۱۸۳ نفر نیز به دلیل نبود ایمنی کافی در حین کار، دچار آسیب جسمانی شده و یا جان خود را از دست دادند. بازداشت ۴۵ فعال کارگری و احضار ۴۳ نفر دیگر از ایشان در سال ۱۳۹۰ نیز از دیگر موارد مهم این گزارش به حساب می‌آید."

البته سرکوب و گسترش ترور و خفقان در ایران محدود به صدور و اجرای احکام اعدام در ایران نیست. در سال ۱۳۹۰ بر پایه‌ی گزارش سالانه مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، ۴۵۶ شهروند در استان‌های مختلف کشور از راه حلق آویز اعدام شده‌اند و از این تعداد ۸۲ نفر در ملاء عام به دار آویخته شده‌اند که این مهم خود از مصادیق بارز بازتولید خشونت در جامعه محسوب می‌شود. از سویی ۷۱٪ از گزارشات اعدام را منابع دولتی و ۲۹٪ را که به صورت مخفیانه بوده، منابع مستقل حقوق بشری تایید کرده‌اند.

بعلاوه در گزارش سالانه نقض حقوق بشر در ایران آمده است که در زندانهای حکومت اسلامی ایران " محسن دکهچی (عدم رسیدگی پزشکی)، هدی صابر (اعتصاب غذا) و ناصر خانی‌زاده (عدم رسیدگی پزشکی) جان باختند. ۱۰۹ مورد اعتصاب غذای زندانیان به دلایلی نظیر اعتراض به بلاتکلیفی و یا شرایط نامطلوب زندان‌ها هم از دیگر موارد برجسته‌ی این گزارش شمرده می‌شود.

بنابر گزارش هرانا، در طی یکسال گذشته نیروهای امنیتی ۱۶۷۱ نفر از فعالین اجتماعی و سیاسی را بازداشت نموده‌اند که از این تعداد ۱۰۱۰ مورد آن به صورت موردی و ۶۶۱ مورد آن به صورت بازداشت فله‌ای یا بدون مشخص شدن هویت بازداشت شده بوده است.

مطابق آخرین اطلاعات منتشر شده؛ به دلیل عدم پرداخت مطالبات توسط دولت، ۵۰٪ از چایکاران به کارگر روز مزد ساختمانی تبدیل شده‌اند. این چایکاران در مقابل میلیون‌ها نیروی فعال کار که هم اکنون بناچار بیکار هستند به صف کارگران فصلی پیوسته‌اند.

این در حالی است که اکثر بنگاه‌های تولیدی ایران بعزت سیاست‌های ارتجاعی حکومت اسلامی ایران یکی بعد از دیگری تعطیل شده‌اند و اکثر کارگران آن‌ها هم به صفوف فشرده ارتش ذخیره کار اضافه شده‌اند. در چنین اوضاعی ادعا میکند که، برای نیازهای ضروری اکثریت مردم ایران پول ندارد. اما برای سانتی فیوژها، برای ساختن مراکز ماجراجویی‌های اتمی در نقاط مختلف کشور، کمک به تشکیلات‌های بنیادگرای اسلامی و یا سرمایه‌گذاری در خارج از کشور، صدها میلیارد دلار داشته است که هزینه نماید.

با توجه به این حقایق، از همین الان میتوانیم ارزیابی بکنیم که امسال، برخلاف شعار علی‌خامنه‌ای نه سال افزایش تولید ملی، بلکه با توجه به ورشکستگی اکثر بنگاه‌های تولیدی کشور و بیکاری روز افزون نیروهای فعال کار در ایران و تداوم محاصره اقتصادی ایران توسط دولت‌های امپریالیستی سال ورشکستگی اقتصاد حکومت اسلامی ایران است.

وضعیت تولید داخلی در ایران آنچنان اسفناک است که خبرگزاری ایلنا هم در گزارشی تاکید کرده که "در حال حاضر کارگران فقط برای زنده ماندن تلاش می‌کنند." همین خبرگزاری اطلاع داده است که " کارفرمایان در ایران دیگر توان اداره واحدهای تولیدی را ندارند."

مصیب‌زاده مدیرعامل فولاد البرز اخیراً تاکید کرده است که نقدینگی بنگاه‌های صنعتی ایران به میزان قابل ملاحظه‌ای کاهش پیدا کرده است و ظرفیت تولید کارخانجات صنعتی هم بشدت کاهش پیدا کرده و علاوه بر ورشکستگی‌های تاکنونی بسیاری دیگر از واحدهای تولیدی، در آستانه ورشکستگی هستند.

همین مصیب‌زاده اعلام کرده است که در شرایط کنونی اجرای فاز دوم قانون هدفمندی یارانه‌ها منجر به آن می‌شود که علاوه بر تعطیلی کامل بخشی‌های دیگری از کارخانجات صنعتی تعداد زیادی از کارگران هم بیکار میشوند. کارگران ایران مرتباً با شرایط جانگدازتری روبرو میشوند. بعنوان نمونه:

اخیراً ۶۵۰ نفر از کارگران شرکت خودرو سازی "شهاب خودرو" را، اخراج کرده‌اند. بیش از ۲۶ ماه است که مطالبات معوقه ۵۵۷ کارخانجات نساجی فرنخ و مه نخ و نازنخ پرداخت نشده است. بیش از ۱۵۰ کارگر قراردادی نساجی مازندران در

مقابل فرمانداری قائم شهر تجمع کرده و خواستار پاسخگویی وضعیت شغلی خود در مقابل بی توجهی کارفرما و مسئولان استان شدند.

تعداد زیادی از کارگران بازنشسته کارخانه لوله‌سازی خوزستان که بیش از یکسال است که تعطیل شده است و بیش از ۲۵ ماه حقوق طلب دارند و سنوات خدمتی آنها نیز پرداخت نشده است، در هفته گذشته در مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند.

سالانه صدها کارگر در اثر نبود ایمنی در محیط کار دچار معلولیت می شوند و جان خود را از دست می دهند. آخرین مورد گزارش شده آن عبارتند از یک کارگر ساختمانی در سنجند است که هنگام کار بر اثر حادثه مجروح شد و پس از چند روز جان باخت. مورد دیگر مربوط به یکی از اتباع کارگر ۶۰ ساله افغانستان است که در کانال فاضلاب مشغول کار بود و در اثر ریزش بخشی از دیوار ساختمان مسکونی، در زیر آوار کشته شد.

در چنین اوضاعی سید علی خامنه ای برای خاک پاشیدن بچشم کارگران و زحمتکشانشان ایران شعار میدهد که: امسال، سال افزایش تولید ملی است.

شرم یک صفت انقلابی است!! . امری که رهبر و صاحب منصبان حکومت اسلامی ایران، کمترین بهره ای از آن نبرده اند.

در ادامه مقاله میپردازم به موضوع اشارات اخیر هاشمی رفسنجانی در رابطه با ایجاد ارتباط مستقیم مابین ایران و آمریکا. مذاکراتی در رابطه با غنی سازی اورانیوم در ایران مابین حکومت اسلامی ایران و کشورهای ۱+۵ از مدتی قبل مطرح بوده و اخیراً هم در ۲۶ و ۲۷ و فروردین ماه برابر با ۱۴ و ۱۵ آوریل ۲۰۱۲ در استانبول طرفین نشستی داشته اند. این در حالی بود که هم زمان ارتش آمریکا در خلیج فارس بزرگ ترین مانور نظامی- هوایی اش را با چهار کشور خلیج فارس انجام میداده است. این مانور از هشتم آوریل ۲۰۱۲ آغاز شده و تا روز پایان مذاکرات در استانبول یعنی ۱۵ آوریل (۲۷ فروردین) ادامه داشت.

در این مانور، ناوهای هواپیمابر آمریکایی «یو بی اس اینترپرایز» و «یو اس اس ابراهام لینکلن» و ۲۰۰ هواپیمای جنگی آمریکا، عربستان سعودی، کویت، بحرین، و امارات متحده عربی شرکت داشتند.

بعد از پایان جلسات مشترک طرفین در استانبول، کاترین اشتون - مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا - در یک کنفرانس خبری اعلام کرد که ایران حق استفاده از انرژی هسته‌ای در راه‌های مسالمت‌آمیز را دارد.

بواقع به غیر از رد و بدل شدن تعارفات دیپلماتیک مابین طرفین عملاً در هیچ موردی بغیر از تعیین تاریخ بعدی نشست در تاریخ سوم خرداد در بغداد توافق نامه ای در رابطه با موضوعات مورد اختلاف امضاء نشده است. تنها قرار است معاونین سعید جلیلی و کاترین اشتون، دستور جلسه بعدی را تعیین نمایند.

وزیر خارجه ایالات متحده گفته است که " ما درک می‌کنیم که ایرانی‌ها به دنبال تضمین‌ها یا اقداماتی از جانب ما خواهند بود که ما به طور قطع این تضمین‌ها و اقدامات را مد نظر خواهیم داشت." یعنی به آن فکر خواهیم کرد، اما، هیچ تضمینی الان نمیدهیم.

سعید جلیلی نماینده حکومت اسلامی ایران نیز در یک کنفرانس خبری جداگانه گفت: گفت‌وگوها، موفقیت آمیز بوده است.

آیا علی خامنه ای خودش را برای "نوشیدن جام زهر" و راه آمدن با غرب آماده میکند؟ آیا خبرهایی که در مورد بیماری احتمالی سرطان علی خامنه ای که گاه منتشر میشود حقیقت دارد؟ آیا علی خامنه ای، نگران از مرگ ناگهانی خودش، زمینه بقدرت رسیدن مجتبی خامنه ای را فراهم میکند؟ این ها سوالاتی است که در آینده میتواند پاسخ بگیرند!

بهررو هر چند که اظهار نظر سعید جلیلی و کاترین اشتون بعد از مذاکرات اخیر استانبول نشانه هائی از کم‌رنگ شدن خطر حمله نظامی به ایران را وعده میدهد، اما، تحریم اقتصادی ایران همچنان ادامه دارد و ضربات مرگبار خودش را به اقتصاد ایران و به کارگران و زحمتکشانشان ایران وارد می نماید.

۳۳ بعد از اشغال سفارت امریکا در ایران و گروگانگیری دیپلمات های امریکائی توسط حزب الله، کشور ما همچنان در محاصره اقتصادی و تحریم کشورهای پیشرفته صنعتی جهان قرار دارد و همچنان روابط ایران و امریکا نیز قطع شده باقی مانده است.

خسارات های این محاصره اقتصادی و تحریم ها، ضربات هولناکی را به کشور ما وارد آورده است. آتش جنگ ایران و عراق را شعله ور کرد. به صنایع و کشاورزی ایران، ضرباتی جانکاه وارد آورده است. صنعت نفت ایران را متحمل صدها میلیارد دلار خسارت کرده است. لیست این خسارات ها که هنوز هم ادامه دارد بسیار طولانی است.

افشاء ماجراجویی های اتمی و پنهانکاری جمهوری اسلامی ایران در طول ۱۸ سال بهانه های جدیدی جهت تامین منافع غارتگرانه بدست تعداد قابل ملاحظه ای از کشورهای امپریالیستی داد تا محاصره اقتصادی و تحریم های فزاینده تری را به ایران تحمیل نمایند.

اما از آنجا که تا موضوع ایجاد ارتباط مابین ایالات متحده امریکا با جمهوری اسلامی ایران حل و فصل نشود- خواه علنی و یا در خفا- موضوعات مورد اختلاف مابین کشورهای امپریالیستی و حکومت اسلامی نیز سرانجامی پیدا نخواهد کرد و بعلاوه شرایط اقتصادی اسفناک ایران هم به حکومت اسلامی ایران اجازه گردنکشی های بیشتری را نمیدهد و فزون بر اینها بنظر میرسد که تا حدود زیادی سرنوشت انتخاب مجدد اوباما به ریاست جمهوری امریکا منوط به چگونگی حل اختلافات با حکومت اسلامی ایران شده است، لذا، در چند ماه گذشته شاهد نرمش های اوباما با حکومت ایران و گفتارهای نرم علی خامنه ای در رابطه با رئیس جمهور امریکا هستیم. تا جایی که خامنه ای اخیراً در سخنانی، درباره "حرام بودن سلاح هسته ای" صحبت کرده است.

البته بیاد میآوریم که روح الله خمینی گفته بود که اگر مصلحت نظام اقتضاء بکند میشود حتی نماز و روزه را نیز ممنوع اعلام کرد. لذا، با توجه به مسئله " تقیه" در بین شیعیان، هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه امریکا اعلام کرده است که " ما می خواهیم که رژیم ایران به روشنی نشان بدهد که هرگونه برنامه ساخت سلاح های هسته ای را کنار گذاشته است."

علاوه بر این کاترین اشتون سخنگوی کشورهای ۵+۱ نیز اعلام نموده است که هدف از مذاکرات اینستکه : جهان اعتماد بکند که ماهیت برنامه هسته ای ایران منحصراً صلح آمیز است."

معنای این حرف ها اینست که در حال حاضر همچنان کشورهای غربی، به حرف های علی خامنه ای اعتماد ندارند.

وزیر خارجه دانمارک- که ریاست دوره ای اتحادیه اروپا را برعهده دارد - گفته است که هیچ برنامه ای برای کاهش تحریم های اعمال شده علیه ایران وجود ندارد.

چند هفته قبل از مذاکرات ۵+۱ و ایران، علی اکبر هاشمی رفسنجانی اعلام کرد که در زمان حیات روح الله خمینی به او گفته بود که : کلید حل معضل ایجاد ارتباط با امریکا بدست ولی فقیه است و بهتر است تا او (خمینی) زنده است تکلیف این معضل را نیز روشن نماید.

علی اکبر هاشمی رفسنجانی میگوید، به امام گفتیم، چرا با همه جا ارتباط داریم، اما با امریکا نه! چه فرقی میکند؟

توجه کنید که این موضوعات را هاشمی رفسنجانی زمانی مطرح کرده است که با وجود اینکه اردوغان نخست وزیر ترکیه در مشهد با علی خامنه ای ملاقات کرده بود و پیام اوباما را هم به خامنه ای رسانده بود و در رابطه با برگزاری محل مذاکرات هم بر روی استانبول توافق شده بود، اما، بناگهان جمهوری اسلامی تغییر نظر داده بود و اعلام نموده بود که محل مذاکرات، باید بغداد و یا دمشق باشد!

این چرخش احمقانه حکومت اسلامی ایران نزدیک بود که امکان برگزاری مذاکرات را قبل از آغاز، با شکست مواجه نماید. این به اعتبار علی خامنه ای خدشه بزرگی وارد میکرد. این چرخش نشان میداد که خود شخص خامنه ای هم همانند اغلب صاحب

منصبانش باصطلاح اعتبار حرفش در حال درهم شکستن است. و تحت تأثیر اطرافیان‌ش نظرش بسرعت عوض میشود. محمد رضا شاه هم در سال آخر سلطنت اش بهمین سرنوشت دچار شده بود.

بنابر اطلاعاتی که منتشر شده است، مجتبی خامنه ای، ولیعهد سید علی خامنه ای نگران است که بعد از مرگ پدرش به سرنوشت احمد خمینی پسر روح الله خمینی دچار بشود. لذا، سید علی خامنه ای چندی قبل هاشمی رفسنجانی را در مقام ریاست "مجمع تشخیص مصلحت نظام" ابقا کرد.

در چنین اوضاعی هاشمی رفسنجانی، این موجود هزار چهره رژیم، که در اکثر قریب به اتفاق توطئه ها و جنایات حکومت اسلامی دست داشته است و بعد از خمینی تاج بخش و نگران "دیرک خیمه" نظام بوده است بمیدان میآید و به زبان بی زبانی میگوید: کلید حل مذاکره با امریکا، بدست ولی فقیه است.

با توجه به بن بست های اخیر ولی فقیه و اینکه در رابطه با معضلات داخلی ایران نیز در مواردی بوضوح دیده شده است که دیگر توصیه ها و نظرات علی خامنه ای در رابطه با منازعات مابین جناحهای رژیم هم مورد بی توجهی صاحب منصبان رژیم قرار نمیگیرد، هاشمی رفسنجانی خودش را در کنار علی خامنه ای قرار میدهد و بطور غیر مستقیم اعلام میکند که این حق خدشه ناپذیر علی خامنه است که مناقشات با امریکا را حل و فصل نماید.

کوتاه مدت پس از این مداخله هاشمی رفسنجانی مجدداً شهر استانبول محل برگزاری مذاکرات اخیر ایران و ۵+۱ اعلام میشود. آیا هاشمی رفسنجانی با این مانور جدید از تخریب بیشتر موقعیت اش در جمهوری اسلامی ایران جلوگیری خواهد کرد؟ آیا بدینوسیله خود را از انزوای بیشتر و دخترش را از خطر رفتن به زندان نجات خواهد داد؟ آیا موقعیت پسرانش را که اخیراً زیر پایشان را خالی نموده اند مستحکم خواهد کرد؟ آیا در منازعات احتمالی آینده در رابطه با جانشینی علی خامنه ای- در صورت مرگ ناگهانی او- و حمایت از مجتبی خامنه ای ایفای نقش خواهد نمود؟

آیا از این پس شاهد دخالت ها و عملکردهای بیشتری از جانب هاشمی رفسنجانی در حکومت اسلامی ایران خواهیم بود؟ آیا در مذاکرات بغداد، مابین ایران و ۵+۱، توافقات جدی در رابطه با معضل اتمی حکومت اسلامی ایران بدست خواهد آمد و اگر چنین شود، آیا زمینه نوشیدن جام های زهر دیگری برای ولی فقیه و ایجاد ارتباط مستقیم مابین حکومت اسلامی ایران و امریکا فراهم خواهد شد؟ و یا در میانه راه، "دست حوادث" بر وخامت روابط فی مابین خواهد افزود؟ اینها همه سنوالاتی است که در سال جاری پاسخ آنها را دریافت خواهیم کرد.

گذشته از این که سرنوشت مذاکرات مابین حکومت اسلامی ایران و ۵+۱ و یا رابطه حکومت اسلامی ایران و ایالات متحده امریکا چه سرنوشتی پیدا نماید موضوع حق تعیین سرنوشت مردم ایران همچنان موضوعی کلیدی برای کارگران و زحمتکشان ایران خواهد بود.

گذشته از اینکه رابطه حکومت اسلامی ایران و ایالات متحده امریکا چه سرنوشتی پیدا نماید، بنابر تجربه مللی که برای آزادی و برابری و استقلالشان مبارزه نموده اند، نه حکومت ارتجاعی بومی و نه دول امپریالیستی هیچکدام در فکر بهروزی و سعادت کارگران و زحمتکشان نبوده و نیستند.

تمام برنامه ها و سیاست های دول سرمایه داری چه در کشورهای پیرامونی و چه در کشورهای متروپل، استثمار نیروی کار و غارت ثروت های کشور مشخص است. چه امپریالیست ها و حکومت ارتجاع محلی با یکدیگر در حال تخاصم باشند و چه در مناسبات غیر متخاصم باشند.

کارگران و زحمتکشان کشور ما هم برای دفاع از حق تعیین سرنوشتشان و دست یابی به آزادی، برابری و رفاه میبایست با ایجاد صفوف مستقل خویش، با تعمیق گفتمان دمکراتیک، با سازماندهی مبارزاتشان در سراسر کشور، با تلفیق مبارزه مخفی و علنی و با حمایت از مبارزات آزادیخواهانه بخش های دیگر در جامعه قادر شوند در موقعیت رهبری ملت قرار بگیرند.

خود بیاموزند و به جامعه بیاموزانند که مبارزه با امپریالیسم، جدا از مبارزه بر علیه ارتجاعی بومی نیست. فراموش نکنیم، ملت آزادیخواه و برابری طلب، آگاه و سازمان داده شده و مصمم، منشاء همه قدرت ها است.

سه شنبه ۵ اردیبهشت ۱۳۹۱ برابر با ۲۴ آوریل ۲۰۱۲